

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان : بعضی ها عاقبت به بخیر نمیشن اما بعضی ها هم بعد از یک عمر خلاف کاری عاقبت بخیر میشن ، آی عاقبت به بخیر میشن !

یه آقا رسولی بود ، اهل قمه کشی و عرق خوری و خیلی چیزا بود ، ولی هیئت و حسینش ترک نمی شد ، منتها میخواست بره روضه امام حسین (ع) این دهنشو زیر شیر آب ، آب می کشید ، می گفت : امام حسین (ع) خوشش نمیاد ، گاهی یه ذره ادب آدمو عاقبت به خیر می کنه !

میگه اومد توی هیئت ، این رئیس هیئت نگاهش کرد ، گفت : این اراذل و اوباشه ، بیرونش کنین ! گفتن : میزنه ها ! قد داره بنده !

گفت : نه ، این نوکر امام حسین (ع) رو نمی زنه ! اومدن بهش گفتن : فلانی ! از جلسه ما برو بیرون ، مایه آبروریزی ما است ! ناراحت شد ، دلش شکست ، رفت .

صبح فردا دید صبح زود در خانه اش را می زنند ! کیه ؟ اومد نگاه کرد ، دید رئیس هیئت داره گریه می کنه ، گفت آقا رسول اگه میخای بیای هیئت بیا ! ما غلط کردیم ، اشتباه کردیم تو رو بیرون کردیم !

آقا رسول میگه : چیه ؟ چی شده ؟ نه به اون بیرون کردن ، نه به این دعوات کردن !

میگه من یه خوابی دیدم ، تو بیا چی کار داری ؟! گفت باید خوابو برام تعریف کنی !

خواب یه جوری بوده نمیخواسته تعریف کنه ، اصرار ! نه باید تعریف بکنی !

میگه آقا رسول ! دیدم امام حسین (ع) خیلی تو کربلا تنهاست ، مردم دارن شورش می برن تا خیمه های حسین (ع) رو غارت کنن ! یه سگی داره جلو خیمه پاسبه بانی میده آقا رسول ! ببخشید ، چهره سگ چهره تو بود ! بدنش بدن سگ !

میگه آقا رسول نشست ، گفت : پس بلاخره مارو به عنوان سگ خودشون پذیرفتن ! گریه کرد ؛ انقلابی در رسول شد ، از اون به بعد شد یکی از گریه کنای درجه یک اباعبدالله الحسین (ع) ! می رفت مسجد نماز می خوند ، گله به گل مسجد نماز می خوند ، یکی از رفقاش بهش میگه : بابا آروم بگیر ! یه جا نماز بخون ، این همهاینجا و اونجا می کنی ! گفته این زمین گناه منو زیاد دیده ، میخوام نمازامم زیاد ببینه روز قیامت شهادت بده !

یکی از علمای تهران جلسه روضه گرفته بود ، ندیدن آقا رسولو دعوتش کنن ، صداش زدن ، پیداش نکردن ! دیدن تو جلسه روضه خود آقا رسول اومده تو مجلس اون عالم بزرگوار !

هی تو تاریکی ها دستشو باز می کنه ، میگه : مادر ، مادر کجایی مادر ! مجلس رو وقتی یک کلمه می گفت ، منقلب می کرد و به آتش می کشید ؛ بعد از جلسه بهش گفتم : چرا مادر مادر می کردی ؟ آدرس کی بهت داد؟! !

گفته بوده که دیشب خانوم فاطمه زهرا (س) را خواب دیدم ، فرمود
فلان جا روضه هست ، ما هم هستیم ، دوست داریم تو هم باشی ، بیای
ها ! لحظه آخری می گفتن بی هوش می شد ، به هوش می اومد ، هی
میگفت مرگ منتظر منه ! منتظر رسوله ! رسول منتظر اربابشه ! من جان
به عزرائیل نمی دم تا اربابم نیاد !

قول دری خودشو هنگام مرگ داشت ، لحظه آخر میگو یک دفعه ای
لبخند زد ، گفت : آقام گلدی ! آقام گلدی !

این جوریه یا امیرالمومنین (ع) ! بعضیا رو اینجوری دستشونو می گیری !
امشب داریم می ترسیم از عاقبت به خیر نشدن ! حسین (ع) ! دست مارو
هم بگیر کنار بدن مولا امیرالمومنین (ع) !